

مخاطرات اجتماعی ناشی از جهل به قانون با نگاهی به رویه قضایی

اله کرم شهریاری*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد واحد قشم

علیرضا رجبزاده اصطهباناتی

استادیار دانشگاه رجا قزوین

علیرضا مظلوم رهنی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۳/۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۴/۶)

چکیده

جهل به قانون عامل بسیاری از مخاطرات و جرم‌هاست، چنانکه افزون بر ۵۰ درصد زندانیان بی‌سوادند و هیچ علمی به قوانین ندارند. جهل موضوع جدیدی نیست و پیش از این به آن پرداخته شده است، اما باید اذعان داشت که بررسی مخاطرات اجتماعی ناشی از جهل موضوع کاملاً جدیدی است که در این پژوهش لحاظ شده است. براساس تحقیقات، وقوع جرم در جامعه با سطح سواد افراد ارتباط مستقیم دارد، به نحوی که افراد جاهل به قانون بیشتر از دیگران مرتکب جرم و مسبب افزایش مخاطرات اجتماعی می‌شوند. برای مثال در زمینه آذاسازی کالاها، جهل به قوانین ترخیص کالا ممکن است به تغییر وضعیت قانونی به وضعیت قاچاق منجر شود. باید گفت در مورد آثار جهل قاعده مهمی وجود دارد: جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. نتایج حاکی از آن است که جهل، مفهومی نسبی است و شایسته نیست که تحت قاعده‌ای کلی بیان شود، بلکه تشخیص دفاع تلقی شدن یا نشدن جهل، نوعی کار دقیق قضایی است که بر عهده متولیان امر قضایی است.

واژه‌های کلیدی: جرم، جهل، قانون، مخاطرات.

مقدمه

جهل به قانون به معنای بی‌اطلاعی از قانونی است که منتشر شده و از موعد اجرای آن هم گذشته است. به‌طور کلی بعد از انتشار قانون، فرض بر این گذاشته می‌شود که همه از آن مطلع شده‌اند و قانونگذار در موارد معدود خلاف این امر را می‌پذیرد. در حقوق ایران قاعده‌های بسیاری در این زمینه وجود دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به قاعده «جهل به حکم رفع تکلیف نمی‌کند» یا «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» اشاره کرد.

در واقع براساس ماده یک قانون مدنی، مصوبات مجلس پس از طی مراحل قانونی به امضای رئیس‌جمهوری می‌رسد و وی در مدت پنج روز آن را امضا و به مجریان ابلاغ و دستور انتشار را صادر می‌کند. روزنامه رسمی هم طی ۷۲ ساعت باید این قوانین را ابلاغ کند. قوانین ۱۵ روز بعد از انتشار در سراسر کشور لازم‌الاجرا هستند و اصل بر این است که همه مردم از قانون اطلاع دارند. بنابراین باید گفت جهل در بیشتر موارد پذیرفته نمی‌شود. اما نظر دادگاه در مورد مطلع بودن عموم بیشتر جنبه کاربردی دارد و برای اجرای بهتر قوانین است، زیرا هر شخصی ممکن است جرمی را مرتکب شود و بگوید که از قانون اطلاعی نداشته است. البته جهل استثنایی نیز دارد؛ برای مثال ممکن است فردی خارجی به ایران سفر کند و اطلاعات دقیقی از قوانین رسمی کشور نداشته باشد و آنها را رعایت نکند که این‌گونه موارد پذیرفته است، زیرا فرد قصوری از روی جهل کرده، یعنی عمل انجام‌گرفته منتسب به اراده او نبوده است، اما این جهل از فرد ایرانی پذیرفته نیست.

در نظام حقوقی ایران مفهوم جهل به صورت مجرد و فارغ از علل شکل‌دهنده آن و همچنین بدون کوششی برای محدود کردن کاربرد آن در قوانین استفاده شده است و در مورد علم دو نکته حائز اهمیت است که علم حکمی با توجه به اماره اطلاع از قوانین بعد از انتشار قوانین مفروضی است، اما با توجه به اصل عدم در خصوص علم موضوعی عدم علم مطابق با اصل است و مدعی علم موضوعی به‌عنوان کسی که امر خلاف اصل را اظهار می‌کند باید با اقامه و دلیل ادعای خود را ثابت کند.

در ادامه پس از بیان روش تحقیق به بررسی داده‌های پژوهش و بحث در مورد علم و جهل و تأثیر آن بر مخاطرات پرداخته می‌شود.

روش تحقیق

روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. توصیفی از آن جهت که باید همه شاخص‌ها و زوایا به‌طور کامل توضیح داده شده و با استفاده از منابع و مآخذ به بسط و توضیح

آن پرداخته شود و تحلیلی نیز از جهت بررسی و تحلیل ارتباطات اجتماعی برای دستیابی و اندازه‌گیری متغیرها.

اهمیت و ضرورت

در جامعه بسیاری از مخاطرات اجتماعی در حالی روی می‌دهد که علت اصلی آنها ناآگاهی از قوانین و مقررات است. در زمینه این ضرورت باید گفت اگر علم به قانون به صورت نهادینه در زندگی افراد جامعه جا باز کند، مردم و جامعه هرگز به این مشکلات دچار نخواهند شد. توسعه آگاهی‌ها در زمینه کاهش مخاطرات اجتماعی وظیفه‌ای همگانی است که همت مسئولان را می‌طلبد. در راستای این مهم نباید از همکاری مستمر مردم و مسئولان غافل ماند. در حال حاضر آگاهی و انتشار اطلاعات و ایجاد پیوستگی اجتماعی و اشتراک فکری و همکاری عمومی به رویکردها و روش‌های نوینی نیاز دارد که بر اختلال‌ها و موانع اجتماعی فائق آیند و موانع مخاطرات شوند.

داده‌ها و بحث

امروزه مفهوم مخاطرات یکی از موضوعات مهم و مورد توجه جوامع است. در واقع قانونگذاران در تلاش‌اند که مجموعه‌ای از مقررات را تدوین کنند یا شرایطی را به‌وجود آورند که با اطلاع‌رسانی صحیح، در زمینه کاهش مخاطرات ناشی از جهل قدم بردارند. مخاطرات در یک رویکرد، عنصر تشکیل‌دهنده زیان و جرم به شمار می‌رود و با فرد مرتکب رابطه دارد. به بیانی دیگر مخاطره عنصر آشکارساز رفتار زیان‌بخش و مجرمانه فرد برای دیگر افراد یا اجتماع است [۱]. در این زمینه در ابتدای بحث باید مفاهیم اصلی و تأثیرگذار پژوهش‌مانند جهل و علم تعریف و تشریح شود:

- مفهوم جهل

جهل در لغت به معنای حماقت به خرج دادن آمده است؛ در فرهنگ فارسی عمید به نادان بودن و نادانی و در فرهنگ دهخدا به نادان شدن، نادان بودن و ضد علم تعبیر شده است؛ برای مفهوم متضاد آن نیز دانش و معرفت را آورده‌اند.

واژه جهل اغلب در معنای لغوی به کار می‌رود، ولی دامنه کاربرد آن به مواردی که در آن درباره موضوعی شک یا وهم وجود دارد، یعنی شبهات حکمی و موضوعی، نیز تسری یافته است؛ زیرا در واقع در این موارد نیز نوعی جهل و ناآگاهی وجود دارد [۷]. جهل در اصطلاح حقوقی نیز به همان معنای لغوی نداشتن علم است [۳].

- مفهوم علم

علم به مثابه مفهومی مستقل و کامل که در مقابل جهل قرار می‌گیرد دربرگیرنده مفاهیم و مبانی مختلفی است. لغت‌شناسان یقین و معرفت و ادراک ذات اشیا [۴] را از معانی علم شمرده‌اند و علم را خلاف و نقیض جهل دانسته‌اند [۵]. گروهی نیز بیان کرده‌اند که علم، ادراک حقیقت چیزی است به دو صورت: ۱. ادراک ذات شیء؛ ۲. حکم کردن یا عدم حکم کردن چیزی با چیزی دیگر. در تعریف دیگری علم به دو بخش علم نظری و عملی و علم عقلی و سعی تقسیم شده است. علم نظری چیزی است که وقتی دانسته شود با دانستن بیشتر کامل می‌شود؛ مثل علم به موجودات عالم. علم عملی نیز دانشی است که تمام نمی‌شود، مگر اینکه به آن عمل شود، مثل علم به عبادات [۲].

- مخاطرات اجتماعی

هر رویدادی که سبب آسیب یا خسارت شود، «مخاطره» نامیده می‌شود. مخاطرات به‌طور بالقوه دارای میزانی از تهدید یا تهدیدهای منجر به برخی عوامل می‌شوند که این عوامل عبارت‌اند از: به خطر افتادن سلامت، آسیب‌دیدگی و جراحت انسان‌ها، خسارت به دارایی‌ها و تجهیزات و ساختمان‌ها، ایجاد مخاطره برای طبیعت، محیط زیست یا محیط کار.

مخاطرات همواره در دوره حیات انسان وجود داشته و خسارات فراوانی را به اقتضای ماهیت پیش‌بینی‌ناپذیر و اجتناب‌ناپذیر خود بر جوامع بشری تحمیل کرده‌اند. در این بین مخاطره اجتماعی، پیامد ناخواسته تصمیمات افراد است که در شرایط آگاهی یا ناآگاهی انجام می‌پذیرد [۸]. می‌توان گفت مخاطرات اجتماعی مختلف شامل رفتارهای پرخطر، رفتارهای مجرمانه و خلاف قانون‌اند که با متغیر جهانی شدن رابطه مستقیم و معناداری دارند. این نتایج بدین معناست که جهانی شدن در ظهور مخاطرات جدید عاملی مؤثر است. مخاطرات اجتماعی ممکن است به شکل‌های مختلفی در بسترهای اجتماعی رخ دهند. هر یک از این مخاطرات ممکن است به‌نوعی بر بخشی از زندگی اجتماعی افراد جامعه تأثیر بگذارد و به حقوق افراد تجاوز کند [۹].

- جهل به قانون رافع مسئولیت نیست.

از جمله اصول مسلم حقوقی در نظام قضایی کشور این است که جهل به قانون رافع مسئولیت نیست. براساس این قاعده چنین فرض می‌شود که همه افراد جامعه، از همه احکام و قوانین، آگاهی دارند؛ پس ادعای جهل به قانون از هیچ‌کس پذیرفته نمی‌شود؛ یعنی احدی در مقام

اثبات نمی‌تواند بگوید که من در مورد فلان قانون آگاهی ندارم. علمای حقوقی در این زمینه نظرهای مختلفی را بیان کرده‌اند:

- گروه اول معتقدند که از بعد حقوقی، وجوب تعلم قوانین، از اصول مسلم حقوقی است و بر همه مکلفان واجب است که قوانین مدون مصوب مجلس شورای اسلامی را پس از ابلاغ دولت و لازم‌الاجرا شدن با اعلان در روزنامه رسمی یاد بگیرند و طبق آن عمل کنند. نتیجه مطلب آن است که چنانچه قانونی تصویب و لازم‌الاجرا شود، کسی حق ندارد بگوید که من این قانون را نمی‌دانم.
- گروه دیگر تعبیر مناسب‌تری را در این زمینه به کار می‌برند و اعتقاد دارند که مصداق بارز فرض‌های حقوقی، اطلاع یافتن از قوانین است. همه می‌دانیم قوانین منتشر شده در روزنامه‌ها یا روزنامه رسمی را همه مردم نمی‌خوانند و اگر اجرای قانون در مقابل هر کسی منوط به اطلاع او باشد، هیچ قانونی اجرا نمی‌شود، زیرا فرض شده که اگر قانون در روزنامه رسمی منتشر شود و پانزده روز از انتشار آن بگذرد، همه آگاه به قانون فرض می‌شوند.

ماده‌های ۲ و ۳ قانون مدنی، مبنا و مأخذ روش مذکور است که بیان می‌دارد:
ماده ۲: قوانین، پانزده روز پس از انتشار، در سراسر کشور لازم‌الاجرا است، مگر آنکه در خود قانون، ترتیب خاصی برای موقع اجرا مقرر شده باشد.

ماده ۳: انتشار قوانین باید در روزنامه رسمی به عمل آید.

همچنین ماده ۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز بیان می‌دارد: قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو و حاکمیت زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می‌گردد، مگر اینکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

برخی کارشناسان حقوقی چنین بیان می‌کنند که این اصطلاح که جهل به قانون رفع تکلیف نمی‌کند، درست نیست، بلکه باید گفت بعد از آنکه قانون منتشر شد، همه آگاه به قانون فرض می‌شوند. فرق بین فرض و اماره نیز این است که اماره متکی است بر غلبه، درحالی که فرض ممکن است برخلاف غالب باشد. چنانچه اطلاع از قوانین برخلاف غالب باشد، بیشتر مردم ناآگاه می‌مانند و با وجود این مطلع از قانون فرض می‌شوند برای اینکه نظم عمومی اقتضا می‌کند تا قانون در مورد همه مردم به طور یکسان اجرا شود.

نظم عمومی اقتضا دارد که اراده‌اش بر همه مردم به طور یکسان حکومت کند. درست است که برای آگاه شدن عموم چاره‌جویی‌هایی شده و نشر قانون همراه با تشریفات است که هر کس

علاقه‌مند به دانستن آن باشد به آسانی می‌تواند روزنامه رسمی را بخواند؛ ولی از این تشریفات نباید نتیجه گرفت که شرط اجرای قانون درباره هر کس علم او به مفاد قانون است، زیرا در این صورت تنها حقوقدان‌های ورزیده آن هم در رشته خاص خود مکلف به رعایت قوانین می‌شوند و قانون به جای حفظ نظم سبب ایجاد هرج و مرج در روابط حقوقی اشخاص خاص می‌شود.

از طرفی در مورد افرادی که درصد آگاه شدن از قانون برنیا شده‌اند، فرض این است که در این راه مسامحه کرده‌اند و به بهانه این تقصیر نباید از تحمل و نتایج آن معاف شود. با این حال شایان ذکر است که به لحاظ وضع جغرافیایی و اجتماعی و فرهنگی کشور ما و با توجه به اینکه غالب افراد روستایی و عده زیادی از آنان بی‌سوادند و اکثر قریب به اتفاق افراد از وجود و انتشار روزنامه رسمی آگاهی ندارند، مؤاخذه این قبیل مردم برحسب قاعده عقلی «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» بهتر است ممنوع باشد.

در این زمینه قانون جدید مجازات اسلامی، از اصل «جهل به قانون، رافع مسئولیت کیفری نیست» عدول کرده و با استناد به مبانی فقهی در ماده ۱۵۵ این قانون این‌گونه مقرر کرده است: جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.

با دقت در متن ماده ۱۵۵ قانون جدید، می‌توان دریافت که قاعده اصلی در این ماده، همان قاعده «جهل به حکم، رافع مسئولیت کیفری نیست» است، ولی با قید «مگر اینکه» نشان از استثنایی عام دارد و باید گفت روح این ماده با اصول کلی حقوقی و احکام قوانین گذشته مخالف است و در واقع رویه قضایی گذشته را نسخ کرده است، بدون اینکه محدوده تأثیر جهل به حکم را هم مشخص کند.

باید گفت امروزه تعیین تأثیر جهل به حکم، از مسائل مهم و اساسی در روابط فردی و اجتماعی، ملی و حتی بین‌المللی است و هر چند به نظر می‌رسد عدم تأثیر جهل به قانون امری مسلم و قطعی نباشد، باید پذیرفت که اگر قانونگذار به صرف ادعای افراد در خصوص جهل از قانونی معین، این ادعا را از سوی آنان بپذیرد، تشویش و آشفتگی نظام دادرسی قضایی و به دنبال آن جامعه را در بر می‌گیرد و دیگر هیچ موضوعی اثبات کردنی نیست و در نتیجه کمتر ذی‌حقی به حقیقت می‌رسد و در نهایت، اجرای بیشتر احکام مراجع قضایی تعطیل می‌شود.

- رویه قضایی

در ادامه این بحث بیان چند نمونه رویه قضایی در خصوص موضوع خالی از لطف نیست:

- دادنامه ۱۳۸۸/۸/۱۸ شعبه ۴۸ مشهد

در این دادنامه بیان شده با وصف مستحق للغير بودن مبيع ببيع باطل است و ببيع فاسد اثری در تملك ندارد و بايع در فرض مذکور ضامن است، گرچه تصريح به ضمان نشده باشد و بايع بايد ثمن را مسترد دارد و از عهده غرامات برآيد بنا به مراتب ذکرشده و ورود دعوى خواهان و با ملاحظه عقیده کارشناس ارزیاب و مستنداً به مواد ۱۰- ۳۶۵- ۳۹۰- ۳۹۱ و ۲۵۷ قانون مدنی و مواد ۱۹۸- ۵۱۵- ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی ضمن صدور حکم به ابطال قرارداد استنادی خوانده را به پرداخت مبلغ مندرج در گزارش کارشناسی ۸۷۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت استرداد ثمن و نیز کلیه غرامات حاصل از آن اعم از هزینه‌های محتمله به وسیله خواهان و کاهش ارزش ثمن و به پرداخت مبلغ یک میلیون و هشتصدوسی هزار تومان بابت هزینه دادرسی و سیصد هزار تومان بابت حق الوکاله و کیل وفق قرارداد و کالت محکوم می‌کند.

- دادنامه ۱۳۹۱/۴/۲۵ شعبه ۴۸ مشهد

در این دادخواست بیان شده: راجع به خواسته خواهان مبنی بر مطالبه ثمن معامله به نرخ روز زمین، طبق نظر دادگاه صرف‌نظر از مدافعات مبنی بر اینکه قرارداد طرفین متضمن نقل مالکیت و دارای ماهیت ببيع نبوده بلکه ماهیتاً تفویض اختیار فروش بوده است، با توجه به اینکه با فرض اثبات این موضوع که قصد واقعی طرفین تحقق عقد ببيع بود است باز هم در فرض درک مبيع خریدار منحصراً استحقاق مطالبه ثمن پرداختی را و غرامات ناشی از ایفای ناروا را دارد و جهتی برای مطالبه ثمن معامله به نرخ روز وجود ندارد. لذا این قسمت از خواسته خواهان فاقد وجهت قانونی است. لذا نسبت به این خواهان توجهاً به ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی قرار بطلان آن اعلام می‌گردد.

- تحلیل و ارزیابی نهایی رویه با تأکید بر رأی وحدت رویه شماره ۷۳۳

در (دادخواست بطلان معامله و استرداد ثمن و غرامات، ۱۳۹۳) بعد از بروز نظریات مختلف در خصوص نحوه استرداد ثمن به خریدار جاهل به بطلان و صدور آرای متفاوت و متعارض با هم هیأت عمومی دیوان عالی کشور پیرامون اختلاف شعب سوم و یازدهم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی مبادرت به صدور رأی وحدت رویه نمود. در این پرونده برداشت شعب سوم و یازدهم دادگاه‌های تجدید نظر استان آذربایجان غربی از عبارت «غرامات» مذکور در ماده ۳۹۱ قانون مدنی متفاوت بوده که منجر به تصمیمات گردیده، به طوری که شعبه سوم دادگاه تجدید نظر تورم موجود در جامعه را که موجب افزایش قیمت‌ها می‌شود غرامت تلقی نکرده و دادنامه ۹۱۴/۸۸ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی ماکو را در این قسمت نقض و حکم بر بی‌حقی

خواهان بدوی صادر کرده، ولی شعبه یازدهم این دادگاه، افزایش قیمت ناشی از تورم موجود در جامعه را غرامت تلقی و دادنامه ۹۵۰/۸۸ شعبه دوم دادگاه عمومی حقوقی ماکو را تأیید نموده است که برای جلوگیری از صدور آرای متفاوت طرح قضیه را برای صدور رأی وحدت رویه قضایی موضوع ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری را تقاضا دارد.

- نظریه دادستان کل کشور

با احترام، در خصوص پرونده وحدت رویه شماره ۳۰/۹۳ موضوع اختلاف بین شعب سوم و یازدهم دادگاه‌های تجدید نظر استان آذربایجان غربی نظر خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارم: قبلاً ذکر چند نکته را ضروری می‌دانم:

آنچه ملاک در جبران خسارت مشتری است کاهش قدرت خرید وی در اثر تورم و به عبارتی کاهش قیمت ثمن است نه آنچه در نظریه اداره حقوقی با عبارت افزایش قیمت ملک آمده است. در فتاوی مراجع عظام حضرات آیات بهجت، شبیری زنجانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی و همچنین مقام معظم رهبری نظر به مصالحه در برخی از موارد و توجه به کاهش قدرت خرید در موارد دیگری، حضرت امام (ره) در مورد غصب بودن آن دارایی‌ها فرموده‌اند که از جهت وحدت ملاک قابل استناد است که جبران خسارت مشتری را فتوای داده‌اند و نیز اشاره به قیمت ثمن یا نرخ تورم شده است.

مستفاد از مواد ۳۹۱ و ۳۹۲ قانون مدنی و فتاوی غالب مراجع عظام این است که خسارت وارده بر مشتری نباید بلاجبران و حتی در صورت کسر قیمت ملک، بایع مکلف شده اصل ثمن را استرداد نماید؛ لذا حمل لفظ غرامات فقط بر هزینه‌های مشتری در ملک مورد معامله خلاف ظاهر و اطلاق آن است.

نظر به اینکه در سؤال مورد استفتا اشاره‌ای به افزایش قیمت نشده است، شاید بتوان فتاوی که اصل ثمن را تصریح دارد حمل بر فرض کسر قیمت ملک دانست. به این معنا که حتی در صورت کسر قیمت ملک بایع موظف است اصل ثمن را مسترد دارد. علی‌هذا با توجه به مراتب فوق نتیجتاً رأی شعبه یازدهم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی، مبنی بر اینکه غرامات شامل افزایش قیمت با توجه به تورم اقتصادی می‌شود را صائب دانسته و تأیید می‌نمایم.

- متن رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور

به موجب ماده ۳۶۵ قانون مدنی، بیع فاسد اثری در تملک ندارد، یعنی مبیع و ثمن کماکان در مالکیت بایع و مشتری باقی می‌ماند و حسب مواد ۹۳۰ و ۹۳۱ قانون مرقوم، اگر بعد از قبض

ثمن، مبیع کلاً یا جزئاً مستحق للغير درآید، بایع ضامن است و باید ثمن را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، از عهده غرامات وارد شده بر مشتری نیز برآید و چون ثمن در اختیار بایع بوده است، در صورت کاهش ارزش ثمن و اثبات آن، با توجه به اطلاق عنوان غرامات در ماده ۹۳۱ قانون مدنی بایع قانوناً ملزم به جبران آن است؛ بنابراین دادنامه شماره ۳۶۰ مورخ ۱۳۸۹/۳/۳۱ شعبه یازدهم دادگاه تجدید نظر استان آذربایجان غربی در حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آرا صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

– جهل به قوانین، عامل ایجاد مخاطرات

برجسته شدن دغدغه امنیت در جوامع مخاطره‌آمیز سبب شده که نظام‌مندسازی محیط اجتماعی در ابعاد مختلف مدنظر قرار گیرد. توجه به محیط اجتماعی و خطرهای احتمالی آن و رفتارهای مخاطره‌آمیز اجتماعی نیز به موضوعاتی مهم تبدیل شده‌اند. افزایش جرائم از طرفی و ازدیاد قوانین، به نوعی حکایت از تغییر روزافزون موضوعات مورد حمایت قانونگذاران دارد. از طرفی نیز می‌توان چنین عنوان داشت که موضوعات مورد حمایت در حقوق مخاطره‌آمیز، جنبه‌ای انتزاعی به خود گرفته‌اند و از این حیث مؤلفه‌های کلی و مهم دیگری چون امنیت، سلامت و غیره را در بر گرفته است. [۶] نکته مهم دیگر اهمیت یافتن ارزش‌های جمع‌گرایی در برابر فردگرایی است که خود بر تکثر موضوعی در این جوامع حکایت دارد. با توجه به اینکه امروزه رفتارهای مخاطره‌آمیز مختلفی جلوه مجرمانه پیدا کرده‌اند و احتمال وقوع نتایج زیانبار در آنها مبنایی برای جرم‌نگاری شده است، لازم بود تا موضوع مخاطرات اجتماعی ناشی از جهل به قانون مطرح و ارکان آن بررسی شود.

از نظر خاستگاه، شناخت مخاطرات اجتماعی به صورت غیرمستقیم توسط دورکیم مطرح شد [۱۰]. امروزه نیز دغدغه هر جامعه‌ای حمایت از افراد در برابر مخاطرات اجتماعی است که بر عهده دولت‌هاست.

از سوی دیگر می‌توان گفت جامعه بین‌المللی نیز وظیفه اخلاقی دارد که در شرایطی که جامعه‌ای تحت تأثیر مخاطرات قرار گرفته است و دولت آنها قادر نیست یا نمی‌خواهد کمک‌های اساسی و حیاتی ارائه دهد مداخله کند [۱۲].

در این زمینه در هر جامعه‌ای با ارائه حمایت‌های اجتماعی به همراه برنامه‌های طولانی‌مدت و کوتاه‌مدت آگاه‌کننده، می‌توان آسیب‌پذیری در برابر این مخاطرات را کاهش داد. حمایت

اجتماعی به طور گسترده به منزله ابزاری مؤثر در کاهش مخاطرات و ارتقای علم و دانش افراد در برابر مخاطرات استفاده می‌شود.

مخاطرات اجتماعی و رفتارهای منتهی به آن که سبب جرم می‌شود در دایره‌ای وسیع به مشکلات فراوان و جدی خواهد انجامید. اما از دیدگاه جرم‌شناسی کمتر به بررسی مخاطرات اجتماعی پرداخته شده است [۱۱]. رفتارهای منتهی به مخاطرات اجتماعی عبارتی است برای توضیح و تبیین پاره‌های از اقدامات که به طرق مختلف اکثراً و غالباً توسط اشخاص حقوقی در سطح اجتماعی بر عناصر مختلف زندگی فردی یا اجتماعی اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) (آثار سوء و گاه جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. باید خاطر نشان کرد که این رفتارها هم به صورت فعل و هم به صورت ترک فعل قابلیت وقوع دارند.

باید تأکید کرد که جهل به قانون عامل بسیاری از مخاطرات و جرائم می‌شود، چنانکه امروزه افزون بر ۵۰ درصد زندانیان بی‌سوادند و هیچ علمی به قوانین ندارند. براساس بررسی‌ها وقوع جرائم در جامعه با سطح سواد افراد ارتباط مستقیم دارد، به نحوی که افراد جاهل به قانون بیشتر از دیگر افراد مرتکب جرم می‌شوند. در این بررسی‌ها مشخص شده که بیشتر افراد بی‌سواد به دلیل جهل به قانون و بی‌اطلاعی از عواقب رفتارهای غیرقانونی، مرتکب جرم شده و سر از زندان درآورده‌اند یا افراد فرصت‌طلب و سودجو، افراد بی‌سواد را به دام می‌اندازند و از آنان برای انجام دادن کارهای غیرقانونی استفاده می‌کنند و زمان گرفتاری نیز پای خود را کنار می‌کشند. در واقع هر جا شاهد هرج و مرج و بی‌نظمی هستیم، بی‌تردید دلیل آن رعایت نکردن قوانین و قانون‌گریزی افراد بوده است. جهل به قوانین در عرصه‌های مختلف سبب مخاطرات اجتماعی می‌شود و افراد و نیز جامعه اطراف آنان را در سختی و مشکلات قرار می‌دهد. برای مثال در زمینه آزادسازی کالاها، قوانین ترخیص کالای گمرک به منظور خارج شدن کالا از وضعیت قاچاق و پیدا کردن جنبه قانونی کالاها رعایت می‌شود و در صورت جهل و ناآگاهی افراد ممکن به جرم قاچاق کالا به در دسر بیفتند. برای اینکه کالا از حالت قاچاق خارج شود و جنبه قانونی داشته باشد، باید مراحل ترخیص کالا از گمرک انجام گیرد. از طرفی اگر افراد با قوانین مربوط به هر یک از مراحل ترخیص کالا آشنا نباشند، در ترخیص کالاهای خود دچار مشکل می‌شوند و حتی ممکن است فرایند ترخیص کالاها بسیار زمانگیر شود. در فرایند ترخیص کالا باید مراحل مختلفی طی شود.

از دیگر مسائل مهم در ترخیص کالا که تاجران را تهدید می‌کند، ناآشنایی با قوانین ارزش گمرکی کالا است. ارزش گمرکی کالا یا ارزش کالای ورودی در گمرک مبنایی است که براساس

آن حقوق و عوارض ورودی تعیین می‌شود. اگر افراد از قوانین تعرفه گمرکی کالاها آگاهی نداشته باشند، در محاسبه هزینه دچار اشتباه و ضررهای مالی فراوان خواهند شد. قانونی که در این زمینه با موضوعیت جهل به تصویب رسیده ماده ۵۶ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. براساس تبصره ۲ (الحاقی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰) «چنانچه مدعی مالکیت کالای توقیفی، نقشی در ارتکاب جرم یا تخلف نداشته باشد و جهل خود از وقوع جرم یا تخلف یا در صورت علم، عدم امکان مخالفت و اقدام بازدارنده خود را اثبات نماید و قبل از صدور رأی قطعی، اسناد مثبت تولید کالا در داخل کشور و یا اسناد مثبت گمرکی که قبل از توقیف کالا تحصیل شده است را به مرجع رسیدگی ارائه دهد، پس از احراز اصالت اسناد و مالکیت وی، در صورت فقدان مانع قانونی دیگر، کالا به مالک مسترد و معادل ارزش آن به جای نقدی مرتکب افزوده می‌شود».

از موارد دیگر که اغلب افراد به آن جهل دارند، ایجاد آلودگی صوتی است. آلودگی صوتی یکی از مصادیق مجرمانه است که افراد جامعه متأسفانه به دلیل جهل و ناآگاهی از قوانین توجهی به آن ندارند و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند. آلودگی صوتی بر سلامت شهروندان تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل ایجاد سروصدا در هر صورتی که باشد جرم به حساب می‌آید و اگر موجب آزار و اذیت دیگران شود باید فرد خاطی به مجازات برسد. در نظام حقوقی ایران قوانین و مقرراتی به آلودگی صوتی توجه داشته‌اند که می‌توان مهم‌ترین آنها را قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴، آیین‌نامه نصب و استفاده از بلندگو مصوب ۱۳۳۹، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی مصوب ۱۳۷۸ و قوانین برنامه‌های سوم و چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برشمرد.

مطابق بند ۲ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی نحوه جلوگیری از آلودگی صوتی این عمل عبارت است از «پخش و انتشار هر گونه صوت و صدا و ارتعاش بیش از حد مجاز و مقرر در فضای باز (غیر سرپوشیده)».

مواد ۶۸۴، ۶۸۵ و ۶۸۶ قانون مجازات اسلامی نیز به جرائمی می‌پردازد که عمل ارتكابی علیه درختان و محصولات زراعی و باغ‌های مربوط است. متأسفانه در این زمینه جرائم بسیاری مشاهده می‌شود که ناشی از جهل به قوانین است و پس از ارتکاب جرم فرد خاطی متوجه جرم خود می‌شود. در این زمینه ماده ۶۸۶ بیان می‌کند: «هر کس درختان موضوع ماده ۱ قانون گسترش فضای سبز را تماماً، عمداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را

فراهم آورد، علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد».

مورد دیگر استفاده از وسایل نقلیه موتوری است که در مجموع می‌توانند از دو جهت مسئولیت کیفری در پی داشته باشد. اول از جهت تردد با وسایل نقلیه آلوده‌کننده غیرمجاز و دوم نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا. در خصوص این جرم دو نکته وجود دارد که باید بیان شوند. اول آنکه رفتار مرتکب در نقض ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها به‌صرف برقراری این ممنوعیت‌ها نیست و باید مطابق ماده حتماً برقراری آنها از طریق رسانه‌های جمعی به اطلاع عموم برسد تا ادعای جهل به آن در اینجا بی‌اثر باشد. بنابراین اگر این ممنوعیت‌ها برقرار شوند ولی به اطلاع عموم نرسند، صرف نقض آنها جرم نخواهد بود، چراکه از لحاظ اصولی قاعده «قیح عقاب بلا بیان» حاکم خواهد بود و تا زمانی که ممنوعیت به اطلاع عموم نرسد، به کیفررسانی ناقضان آن عقابی است که قبلاً بیان نشده و مخاطبان قانون از آن بی‌خبر بوده‌اند. دوم آنکه به نظر می‌رسد با رفع شرایط اضطراری و رفع ممنوعیت‌ها از طرف سازمان، دیگر نتوان رفتار ناقضان آن را جرم دانست، هرچند که رفع آنها به اطلاع عموم نرسیده باشد.

در مورد تردد با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده در ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ با عبارت «افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده‌کننده غیرمجاز تردد می‌نمایند...» بزه‌نگاری شده است. رفتار مجرمانه این ماده «تردد» است که حتماً لازم است با وسایلی صورت گیرد که هم موتوری باشند و هم آلودگی غیرمجاز تولید کنند. همچنین قسمت دوم ماده ۲۸ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا در مورد نقض ممنوعیت‌های آلودگی هوا مقرر می‌دارد: «... همچنین کسانی که محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند...». ماده ۷ این قانون در زمینه بیان محدودیت‌ها بیان می‌دارد: «در مواقع اضطراری که به‌علت کیفیت خاص جوی، آلودگی هوای شهرها به حدی برسد که به تشخیص وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سلامت انسان و محیط‌زیست را شدیداً به مخاطره بیندازد، سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت کشور (شهرداری‌ها و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران) ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های زمانی، مکانی و نوعی را برای منابع آلوده‌کننده برقرار نموده و بلافاصله مراتب را از طریق رسانه‌های همگانی به اطلاع عموم خواهند رسانید. با برطرف شدن وضعیت اضطراری و کاهش آلودگی هوا، سازمان نسبت به رفع ممنوعیت و محدودیت برقرارشده اقدام و مراتب را به نحو مقتضی به اطلاع عموم خواهد رسانید».

نتیجه‌گیری و نوآوری

جهل و علم از جمله مهم‌ترین مباحث در قوانین اعم از حقوقی و کیفری است، موضوعی که در پژوهش حاضر نیز سعی شد تا در بین آثار حقوقدانان و قوانین مربوط بررسی و مهم‌ترین دستاوردهای آن بررسی شود. نوآوری این پژوهش، موضوع مخاطرات اجتماعی ناشی از جهل است که تا کنون در هیچ پژوهشی بدان توجه نشده است. به‌طور کلی جهل به قوانین در عرصه‌های مختلف ممکن است سبب مخاطرات اجتماعی شود و افراد و نیز جامعه اطراف ایشان را در سختی و مشکلات قرار دهد. با توجه به اینکه امروزه رفتارهای مخاطره‌آمیز مختلفی جلوه مجرمانه پیدا کرده‌اند و احتمال وقوع نتایج زیانبار در آنها مبنایی برای جرم‌انگاری شده است، لازم بود که موضوع مخاطرات اجتماعی ناشی از جهل نسبت به قانون مطرح و ارکان آن بررسی شود. مخاطرات اجتماعی و رفتارهای منتهی به آنها که سبب جرم می‌شود در دایره‌ای وسیع به ایجاد مشکلات فراوان و جدی خواهد شد. اما متأسفانه از دیدگاه جرم‌شناسی کمتر به مطالعه و بررسی مخاطرات اجتماعی پرداخته شده است.

نکته مهم در زمینه جهل این است که قاعده «جهل به قانون، رافع مسئولیت نیست»، قاعده‌ای کلی است و اطلاق دارد. مهم‌ترین اساس و پایه این قاعده، و نیز مهم‌ترین هدف قاعده، تحکیم نظم عمومی است؛ اما اجرا نشدن قاعده، در برخی شرایط ویژه، موجب به هم خوردن نظم عمومی نمی‌شود. وسیله نشر قوانین مصوب در جامعه (روزنامه رسمی)، طریق مناسبی برای این امر نبوده و از قدرت اطلاع‌رسانی خوبی برخوردار نیست. مهلتی که پس از سپری شدن آن، اشخاص، عالم به قانون جدید فرض می‌شوند (پانزده روز) با در نظر گرفتن طریق انتشار و ساختار علمی و فرهنگی جامعه، مهلت بسیار کمی است. از طرفی درست است که اگر علم افراد به قانون فرض نشود، نظم عمومی با خطر مواجه می‌شود، باید قبول کرد که فرض یک چیز، دست‌کم باید اندکی مطابق واقع باشد، در صورتی که در جامعه ما تعداد خیلی کمی از مردم به‌طور کاربردی با قانون آشنایی دارند.

تقدیر و تشکر

این مقاله با حمایت معنوی اعضای محترم گروه حقوق دانشگاه آزاد قشم تهیه شده، از این رو از همکاری و حمایت آن دانشگاه قدر دانی می‌شود.

منابع

- [۱]. احمدی‌منش، علیرضا؛ و سایبانی، علی‌رضا (۱۴۰۰). «از حالت مخاطره‌آمیز جرم‌شناسی بالینی تا جرم در معرض مخاطره قرار دادن جان و مال دیگری»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۸، شماره ۱، ص ۱-۱۸.
- [۲]. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، لبنان - سوریه، دارالعلم - الدارالشامیه.
- [۳]. شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲). *قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی*، تهران: میزان.
- [۴]. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع‌البحرین، محقق / مصحح: احمد حسینی اشکوری*، تهران، مرتضوی.
- [۵]. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰ق). *الفروق فی اللغة*، بیروت، دارالآفاق الجدیده.
- [۶]. فروغی، فضل‌الله؛ و ایرانی، امیر (۱۳۹۷). «بازشناسی معیارمدار از تحولات ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز»، *مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۶۵-۱۴۳.
- [۷]. مظفر، محمدرضا (۱۳۸۲). *المنطق*، قم: دارالعلم.
- [۸]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۹۰). *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- [۹]. ون‌هام، فرانسواز (۱۳۹۲). *آسیب اجتماعی‌شناسی، رشته جدید، توسعه قلمرو جرم‌شناسی؟ ترجمه سید حسین حسینی و اقبال محمدی، در: دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی، کتاب دوم)*، تهران: میزان.
- [10]. Durkheim, E. (2017). *The evolution of punishment. In The Sociology of Law*, Routledge.
- [11]. Sword-Daniels, V.; Eriksen, C.; Hudson-Doyle, E. E.; Alaniz, R.; Adler, C.; Schenk, T.; & Vallance, S. (2018). "Embodied uncertainty: living with complexity and natural hazards", *Journal of Risk Research*, 21(3), pp: 290-307.
- [12]. Traczykowski, L. (2021). *Ethics, Law and Natural Hazards: The Moral Imperative for International Intervention Post-Disaster*, Routledge.